



## درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۲۱ بهمن ۱۴۰۳

مصادف با: ۱۰ شعبان ۱۴۴۶

موضوع جزئی: مسئله ۲-۳. بررسی ولایت پدر نسبت به بالغه رشیده باکره - راه‌های جمع بین روایات -

راه اول (قول سوم) و بررسی آن - راه دوم (قول چهارم) و بررسی آن

جلسه: ۴۶

سال هفتم

# «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### راه‌های جمع بین روایات

عرض کردیم راه‌هایی برای جمع بین دو طایفه از روایات ذکر شده است؛ یک طایفه دلالت بر استقلال پدر در امر نکاح باکره رشیده دارد و یک طایفه دلالت دارد بر استقلال دختر در امر ازدواج و اینکه نیاز به اذن پدر ندارد. اقوالی که اینجا ذکر شده، به غیر از آن دو قولی که اشاره کردیم، به نوعی در صدد جمع بین این دو طایفه از روایات است. ما به برخی از این راه‌های جمع اشاره می‌کنیم و بعد باید ببینیم کدام یک از این راه‌ها قابل قبول است یا اساساً راه دیگری می‌توانیم ذکر کنیم یا نه.

### راه اول (قول سوم)

یک راهی را مرحوم شهید ثانی در مسالک<sup>۱</sup> بیان کرده و آن اینکه ما قول به استقلال دختر را اختیار می‌کنیم و آن طایفه از روایات که دلالت بر این می‌کند که دختر در امر ازدواج استقلال دارد و نیازی به اذن پدر ندارد را متعین می‌دانیم؛ اما آن طایفه‌ای که دال بر استقلال پدر است و مفاد آن این است که «لیس لها امر»، این را حمل می‌کنیم بر کراهت؛ به این معنا که اگر دختر در این امر استبداد داشته باشد و توجهی به حرف پدر و نظر پدر نکند، این مکروه است. پس روایاتی که دال بر این است که دختر «لیس لها امر»، این معنایش آن است که نسبت به نظر پدر و در مقابل پدر، اگر روی نظر خودش پافشاری کند کراهت دارد؛ نه اینکه اگر مثلاً باز هم استبداد به خرج داد و گفت الا و لا بد من می‌خواهم با این شخص ازدواج کنم، این ازدواج باطل باشد. لذا همانطور که در کلمات صاحب جواهر اشاره شده، نظر شهید ثانی این است که طایفه اول مأخوذ است و ما به طایفه اول از روایات اخذ می‌کنیم و طایفه دوم را بر کراهت حمل می‌کنیم.

### بررسی راه اول

این راه جمع در واقع به نوعی تسلیم و پذیرش هر دو طایفه است. این جمع به نظر می‌رسد یک جمع تبرعی باشد نه جمع عرفی؛ چون ما شاهدی بر این جمع نداریم؛ ما چطور می‌توانیم روایاتی که به صراحت حق باکره رشیده را با وجود پدر نفی کرده، حمل بر کراهت کنیم؟ بالاخره باید تعبیری در روایت باشد که قابلیت حمل بر کراهت داشته باشد. اما تعبیری که در طایفه دوم وجود دارد، قابل حمل بر کراهت نیست؛ چون «لیس لها امر مع الأب»، با صراحت می‌گوید دختر با وجود پدر، هیچ اختیاری ندارد. از این طرف هم روایاتی که دلالت بر استقلال دختر می‌کند، اینها هم به صراحت این مطلب را بیان کرده‌اند. لذا به نظر می‌رسد این جمع قابل قبول نیست.

۱. مسالک، ج ۷، ص ۱۳۲.

یک راه جمعی را مرحوم آقای حکیم در مستمسک بیان کرده و فرموده «لم ینسب لاحد»، این به هیچ کسی نسبت داده نشده، اما مع ذلک آن را پذیرفته است. ایشان می‌فرماید: «و الذی یتحصل من جمیع ما ذکرنا نفوذ عقد الأب بدون إذن البنت اعتماداً علی صحیح محمد بن مسلم و خبر علی بن جعفر و نحوهما و نفوذ عقد البنت بدون اذن الأب اعتماداً علی خبر سعدان المعتضد بالنصوص الواردة فی المتعة المتقدمة و أن الأفضل أن یتكون باذنهما معاً حملاً لما دل علی اعتبار اذن الأب کصحیح العلاء و اعتبار اذن البنت کصحیح صفوان، علی الاستحباب جمعاً بین هاتین الطائفتین و الطائفتین السابقتین و أنه إذا عقدت البنت صح عقدها، لکن یتجوز للأب نقضه، فإذا نقضه انتقض، اعتماداً علی صحیح زرارة: لا ینقض النکاح إلا الأب و نحوه صحیح محمد بن مسلم و صحیح الحلبي علی ما عرفت». ایشان راه جمع بین این روایات را این می‌داند که هر یک از این دو که اذن بدهد، به تنهایی برای صحت نکاح کافی است؛ یعنی ما به هر دو طایفه عمل می‌کنیم؛ به مقتضای طایفه اول می‌گوییم دختر استقلال دارد؛ به مقتضای طایفه دوم هم می‌گوییم پدر استقلال دارد. یعنی اینها به نحو مانعة الخلو مدخلیت دارد؛ یا باید اذن دختر باشد یا اذن پدر. اگر فرض کنیم دختر ازدواج کرد ولو اذن پدر هم نباشد، این صحیح است؛ اگر پدر او را تزویج کرد، ولو اذن دختر هم نباشد، این هم صحیح است. کأنه احدهما شرط است، یعنی اذن الأب أو اذن البنت؛ هر یک از این دو که باشد، کافی است. ظاهرش این است که اگر یکی تزویج کرد (حالا یا دختر خودش را تزویج کرد یا پدرش او را تزویج کرد) آن عقدی که زودتر واقع شده، صحیح است. ظاهر جمع این است که ما هر دو طایفه را اخذ می‌کنیم، منتها می‌گوییم این طایفه به یک امر اشاره کرده و آن طایفه هم به امر دیگری اشاره کرده، ... ایشان مستند این جمع را هم گفته است. اینکه عقد پدر بدون اذن دختر نافذ و صحیح است، به خاطر روایت محمد بن مسلم و علی بن جعفر است؛ اینکه عقد دختر بدون اذن پدر نافذ است، این هم به خاطر خبر سعدان است که برخی روایات باب متعه هم آن را تأیید می‌کند. اما افضل و اولی این است که هر دو باشد، یعنی هم اذن پدر و هم اذن دختر. این هم به استناد برخی روایات است که بر هر دو دلالت می‌کند و ما این را حمل بر استحباب می‌کنیم. یعنی کأن ایشان می‌خواهد بگوید این جمع شاهد هم دارد؛ شاهد آن هم روایات است. در عین حال پدر اختیار دارد و می‌تواند عقد دخترش را نقض کند؛ یعنی اگر فرض کنید دختر عقد کرد، این عقد صحیح است؛ لکن تارة پدر کاری نمی‌کند و مخالفتی ندارد، این صحیح است. اما اگر پدر مخالفت کند، این مخالفت نافذ است؛ یعنی کأن شرط صحت عقد دختر محقق شده ولی برای پدر حق و تو قرار داده‌اند، لذا پدر ضمن اینکه خودش رأساً می‌تواند دختر را تزویج کند، نسبت به عقد دختر هم حق و تو دارد؛ این هم به خاطر روایت محمد بن مسلم و صحیح حلبی است. ایشان این جمع را ذکر کرده و همانطور که اشاره کردیم ریشه این جمع را روایات می‌داند. ایشان می‌فرماید: به طور کلی روایاتی که در این باب وجود دارد، پنج صنف است؛ یک صنف دلالت می‌کند بر استقلال پدر؛ یک طایفه دلالت می‌کند بر استقلال دختر؛ یک صنف دلالت می‌کند بر جواز فسخ پدر نسبت به عقد دختر؛ طایفه چهارم دلالت می‌کند بر اعتبار اذن الأب. ایشان طایفه اول را فرمود: «صنف یدل علی استقلال الأب» اما در طایفه چهارم می‌گوید «یدل علی اعتبار اذن الأب»؛ یعنی بین دو طایفه تفکیک کرده و می‌گوید یک طایفه دلالت دارد بر اینکه پدر استقلال دارد، یک طایفه دلالت دارد بر اینکه اذن پدر معتبر است. راجع به دختر هم همینطور است؛ صنف

پنجم روایاتی است که دلالت می‌کند بر اعتبار اذن بنت، در مقابل طایفه دوم که دلالت بر استقلال بنت دارد. پس دو طایفه از این پنج طایفه، مربوط به پدر است و دو تای آنها مربوط به دختر. آن دو طایفه‌ای که مربوط به پدر است، یکی از آنها دلالت بر استقلال پدر می‌کند و دیگری دلالت بر اعتبار اذن پدر. چون اعتبار اذن پدر لزوماً به معنای استقلال نیست. در مورد دختر هم همینطور است؛ یک طایفه دلالت بر استقلال دختر می‌کند، یک طایفه دلالت بر اعتبار اذن دختر می‌کند؛ چون اعتبار اذن دختر در نکاح لزوماً به معنای استقلال نیست.

ایشان می‌گویند ما به سه طایفه اول عمل می‌کنیم؛ طایفه اول دلالت بر استقلال پدر دارد؛ طایفه دوم دلالت بر استقلال دختر دارد؛ طایفه سوم دلالت بر جواز نقض پدر نسبت به عقد دختر دارد. می‌فرماید ما به این سه طایفه عمل می‌کنیم؛ یعنی می‌گوییم اگر پدر عقد کند، صحیح است؛ اگر دختر خودش را عقد کند صحیح است؛ همچنین این حق و تو را برای پدر قائل هستیم. ما به این سه طایفه عمل می‌کنیم؛ اما این دو طایفه اخیر را حمل بر استحباب می‌کنیم؛ یعنی آن طایفه‌ای که دلالت بر اعتبار اذن پدر دارد و آن طایفه‌ای که دلالت بر اعتبار اذن دختر، اینها را حمل بر استحباب می‌کنیم. یعنی می‌گوییم افضل آن است که اذن هر دو باشد؛ نتیجه حمل طایفه چهارم و پنجم بر استحباب، این است که افضل آن است که هر دو اذن بدهند؛ این اولی و مستحب است. این محصل جمعی است که صاحب مستمسک اینجا ذکر کرده‌اند.

#### بررسی راه دوم

به نظر می‌رسد این جمع قابل قبول نیست؛ چون طایفه اول به صراحت دلالت بر استقلال پدر دارد؛ طایفه دوم به صراحت دلالت بر استقلال دختر دارد. در طایفه اول تصریح کرده «لیس لها مع الأب امر»؛ این جمله به صراحت دارد طایفه دوم را تکذیب می‌کند؛ اینجا تناقض و تهافت بین این دو طایفه وجود دارد. آنگاه ایشان چطور می‌گویند ما بین اینها جمع می‌کنیم و می‌گوییم از طایفه اول استقلال پدر بدست می‌آید و از طایفه دوم هم استقلال دختر. اگر هر دو صرفاً ایجابی بودند، ممکن بود که ما این حرف را بپذیریم؛ اما برخی از روایات بیان سلبی دارند؛ روایاتی که اختیار را به دست پدر داده، تصریح کرده که دختر با وجود پدر هیچ اختیاری ندارد. ما با وجود چنین روایاتی چطور می‌توانیم بگوییم دختر در امر نکاح استقلال دارد؟ این طایفه صریحاً استقلال دختر را نفی می‌کند؛ این یک تناقض است. یعنی کأن ما یک سری روایات داریم که می‌گویند دختر مستقل است، یک سری روایات دیگر داریم که می‌گویند دختر به هیچ وجه اختیاری ندارد. اگر ما این دو طایفه از روایات را بخواهیم جمع کنیم، به این طریق نمی‌توانیم جمع کنیم؛ بگوییم این یک راه را بیان کرده و آن هم یک راه را بیان کرده. اگر هر دو ایجابی بودند، ممکن بود این حرف را بزنیم، اما در ضمن یک طایفه صریحاً آن راه دیگر نفی شده است. لذا این جمع هم قابل قبول نیست.

البته راه اول که ذکر کردیم، شاید قول مستقلی در مسئله محسوب نمی‌شود؛ چون قول اول این بود که دختر استقلال دارد و همه چیز در اختیار دختر است؛ قول دوم این بود که اختیار به دست پدر است مطلقاً. هر دو قول مطلق بودند. این راه جمعی که شهید ثانی گفته‌اند (راه جمع اول)، ایشان هم در واقع اختیار را به دست دختر داده است؛ یعنی با قول اول همراهی کرده، منتها یک اضافه‌ای دارد و می‌گویند افضل آن است که اذن پدر هم باشد. پس این یک قول مستقل محسوب نمی‌شود؛ در واقع یک اضافه‌ای در اینجا بیان کرده است. راه جمع مرحوم آقای حکیم هم در واقع یک قول دیگری محسوب نمی‌شود، هر چند نسبت

به راه جمع شهید ثانی فی الجمله تفاوت بیشتری با قول اول و دوم دارد. ایشان در این راه جمع کأن گفته‌اند استقلال الأب أو استقلال البنت؛ یعنی هم قول اول و هم قول دوم. پس این قول تفصیلی در مسئله محسوب نمی‌شود. درست است که یک جمعی بین روایات صورت گرفته، اما شاید یک قول با تفاوت جدی نباشد؛ البته می‌توانیم این را یک قول حساب کنیم؛ یعنی فرمایش مرحوم آقای حکیم می‌تواند قول سوم در مسئله باشد. پس راه جمع دوم یا به تعبیر دیگر قول سوم در مسئله، قابل قبول نیست.

### بحث جلسه آینده

راه جمع سوم که به تعبیر صاحب جواهر ابوالصلاح حلبی و ابن زهره آن را طی کرده‌اند و همچنین در مقنعه ذکر شده، تشریک در مسئله است: «التشریک بینهما فی الولاية». مرحوم آقای خویی هم همین قول را اختیار کرده و قائل به تشریک شده و به نحو مبسوط توضیح داده که چرا قائل به تشریک شده‌اند و چگونه بین روایات جمع کرده‌اند. لذا ما کلام مرحوم آقای خویی را ذکر می‌کنیم و مورد بررسی قرار می‌دهیم که ببینیم این راه جمع سوم یا به تعبیر دیگر قول چهارم در مسئله، قابل قبول است یا نه. البته تعبیر صاحب جواهر این است: «و أضعف من هذا ما عن الحلبيين و المقنعة»، یعنی اضعف از قول به استقلال الأب ... ایشان قائل است به اینکه قول به تشریک ضعیف‌تر است از قول به استقلال پدر؛ چون صاحب جواهر قائل به استقلال دختر شده اما معتقد است قول به تشریک اضعف از قول به استقلال پدر در امر نکاح دختر است. ان شاء الله در جلسه آینده فرمایش مرحوم آقای خویی را شرح خواهیم داد.

### ضرورت حضور در راهپیمایی ۲۲ بهمن

چند کلمه‌ای راجع به این ایام سخن بگویم. من خیلی کوتاه و خلاصه عرض می‌کنم؛ ما در ایام دهه فجر به سر می‌بریم، فردا هم روز بیست و دوم بهمن است. من در همین درس، در همین جلسات بارها درباره اهمیت انقلاب اسلامی و آثار و برکات و ثمرات انقلاب سخن گفته‌ام. امروز فقط از یک (زاویه با توجه به فرصت کمی که داریم) می‌خواهم به این موضوع پردازم و اهمیت حضور در راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال را ذکر می‌کنم. در اینکه مشکلات در کشور وجود دارد بحثی نیست. در اینکه مردم به لحاظ معیشت در سختی هستند تردیدی نیست، چیزی که ما با آن مواجهیم این است که اقشار مختلف مردم به خصوص طلبه‌ها واقعا با سیلی صورتشان را سرخ نگه می‌دارند، گاهی با سیلی هم صورت سرخ نمی‌شود. من اگر از مشکلاتی که طلاب دارند و مراجعاتی که دارند بخواهم اینجا نمونه‌هایی را بگویم واقعا برای خیلی‌ها قابل باور نیست. خود شما هم هر کدام به نوعی با این مشکلات مواجهید، سایر اقشار هم همین طورند. مشکلات معیشتی، گرفتاری‌ها، سختی‌ها، بعضی کمبودها، برخی کاستی‌ها، غیر از مشکلات معیشتی شخصی مردم، به هر حال یک مشکلاتی هم به صورت عمومی وجود دارد، این‌ها را همه اذعان داریم.

البته از آن طرف هم کارهای مهمی در این کشور انجام شده، یعنی ما منصفانه باید برخورد کنیم، فقط این نقص‌ها و ضعف‌ها را نبینیم، انصافش این است که در سال‌های بعد از انقلاب. پیشرفت‌های مهمی در این کشور اتفاق افتاده، البته می‌توانست بهتر باشد، ولی نکند یک وقت این مشکلات و گرفتاری‌ها آن قدر در ذهن ما برجسته شود و غلبه پیدا کند که مانع دیدن نقاط قوت شود، مانع دیدن پیشرفت‌ها شود. ان شاء الله باید این پیشرفت‌ها وسعت و سرعت بیشتری پیدا کند و با همت مسئولان، با همت مردم، با اتحاد و همدلی این نقص‌ها برطرف شود.

نکته‌ای که من می‌خواهم عرض کنم، این است که بعد از اتفاقاتی که در ماه‌های اخیر در منطقه رخ داده، این توهم در دشمنان به وجود آمده که ایران ضعیف شده است. به تعبیر مقام معظم رهبری خیال بافان متوهم! القای ضعف می‌کنند و برخی گمان می‌کنند که ایران گرفتار ضعف شده. اینها توهم خودشان را هم به عنوان یک خط تبلیغاتی در رسانه‌ها ترویج می‌کنند. در رسانه‌های بین‌المللی برخی تحلیلگران وابسته، این را دارند تبلیغ می‌کنند که ایران ضعیف شده است.

این واقعیت که یک خسارت‌هایی متوجه ایران شده، قابل انکار نیست. خسارت‌ها هم معلوم است. خسارت به معنای ضعف نیست؛ فرق می‌کند بگوییم خسارت دیدیم یا اینکه ادعا شود گرفتار ضعف شدیم. به هر حال این خط تبلیغی شیطنت‌آمیز دنبال می‌شود که قدرت ایران تحلیل رفته و افول کرده، نظام سیاسی ضعیف شده است. قهرا اینها بر بستر این توهم و خیال‌بافی تحرکاتی رو سامان می‌دهند. آنچه که برای ما یک ضرورت است، با هر گرایشی، با هر سلیقه‌ای، با هر نگرشی، با هر گله‌ای است که آنها را از این خواب آشفته بیدار کنیم. حضور در راهپیمایی بیست و دوم بهمن امسال از این جهت اهمیت دارد که بطلان این خط تبلیغاتی را آشکار کند. مردم ایران باید یکپارچه و قدرتمندانه حضور خودشان را به همه دنیا اعلام کنند. اگر دشمنان تلقی ضعف و سستی و فتور در مردم داشته باشند بدون تردید نسبت به ایران و مردم بیشتر طمع خواهد کرد.

آمریکا و اسرائیل که چهره زشت خود را در پوشش دلسوزی برای مردم ایران پنهان کرده‌اند خود باعث بسیاری از مشکلات و رنج‌های مردم ایران هستند، نه دلسوز مردم اند، نه از رنج مردم رنج می‌برند. آنها خود باعث بسیاری از این مشکلات هستند، بسیاری از مشکلات ناشی از تحریم‌های ظالمانه‌ای است که خود آنها تحمیل کردند. دلشان برای مردم نسوخته، اگر فرصت پیدا کنند به هیچ کس رحم نمی‌کنند. دلشان برای کشور نمی‌سوزد. دلشان نمی‌خواهد این کشور رشد و پیشرفت داشته باشد. واقعا من فکر می‌کنم یکی از مهمترین کارهایی که ما می‌توانیم در مقابل توهم و خیال‌بافی دشمنان انجام بدهیم و قطعاً موثر است حضور در راهپیمایی ۲۲ بهمن است. حضور در این راهپیمایی، اعلام قوت و قدرت، صلابت و ایستادگی و قاطعیت ملت ایران در برابر طمع ورزی‌ها و خواسته‌های دشمنان است.

انشاءالله همه مردم با اینکه مشکلات دارند، گله دارند، حضور گسترده در این راهپیمایی خواهند داشت. مردم ما همیشه ثابت کردند که موقعیت خطیر کشور را و منطقه را درک می‌کنند و انشاءالله مانند گذشته نقشه‌های شوم دشمنان و خواب‌های آشفته آنها را بر هم خواهند زد.

«والحمد لله رب العالمین»